

## مبانی نظری تنبیه از دیدگاه علم روان‌شناسی و اسلام

داود حسینی\*

### چکیده

یکی از ابزارهای اصلاح و تربیت، که در میان صاحب‌نظران تعلیم و تربیت مورد اختلاف و مناقشه قرار گرفته، اعمال انواع تنبیه، به ویژه تنبیه بدنی در عرصه تعلیم و تربیت است. عده‌ای از روان‌شناسان با اعمال تنبیه به شدت مخالفت کرده‌اند و آن را در جهت حذف رفتارهای ناهنجار نه تنها غیرمفید، بلکه مضر می‌دانند و والدین و مربیان را از اعمال آن نهی می‌کنند. در مقابل، برخی دیگر، از دیدگاه تعلیم و تربیت و اسلام، این تفکر را نمی‌پذیرند و با آن مخالفند. این دسته معتقدند تنبیه بدنی نه تنها مضر نیست، بلکه می‌تواند موجب حذف رفتار ناپسند از خزانه رفتاری کودک شود و تأثیر پایداری در وجود او ایجاد کند. در منابع اسلامی انواع تنبیه، به عنوان یک ابزار بازدارنده در عرصه تعلیم و تربیت مورد پذیرش قرار گرفته است. در آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام، تنبیه علاوه بر مجازات حدود و تعزیرات، به عنوان یک روش تأدیب و اصلاح رفتار پذیرفته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** تنبیه، تعلیم و تربیت، روان‌شناسی، تأدیب، اصلاح.

## مقدمه

کشورها نیز از تسلط این تفکر بی بهره نبوده‌اند: ممنوعیت استفاده از هر نوع تنبیه در مدارس. این تفکر که از مکتب رفتارگرایی آغاز شد، یکبار به یک تفکر مسلط تبدیل گردید و همه نظام‌های آموزش و پرورش را تحت تأثیر قرار داد. در آوردگاه تعلیم و تربیت، کشور ما نیز از این تفکر مصون نماند، و با رسوخ دیدگاه ممنوعیت تنبیه در بین صاحب‌نظران مسائل تعلیم و تربیت کشور ما، تفکر جواز تنبیه تفکری خشن و غیر تربیتی قلمداد گردید.

برای بررسی این دیدگاه، لازم است به یک نکته اساسی توجه کنیم:

فرض بنیادی تغییر رفتار بهنجار و رفتار نابهنجار از اصول روان‌شناختی یکسانی پیروی می‌کند؛ یعنی همان اصول یادگیری که ایجاد و ادامه رفتار بهنجار را توضیح می‌دهند توجیه‌کننده رفتار نابهنجار نیز هستند. به دیگر سخن، فردی که دارای رفتار بهنجار است رفتار نیک خود را آموخته است. از این رو، برای اصلاح رفتار فرد، باید شرایط مناسب یادگیری را فراهم آورد، و از این راه به تغییر رفتارهای نابهنجار و جانشین ساختن آنها با رفتارهای بهنجار اقدام کرد.<sup>(۱)</sup> بنابراین، می‌توان عواملی را شناسایی کرد که توانایی تغییر رفتار مؤثر را داشته باشند. بر اساس مطالعات صورت گرفته، یکی از عواملی که در تعلیم و تربیت در جهت تغییر رفتار ناهنجار متریان مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته، تشویق و تنبیه است. در مورد تشویق، همه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت در پژوهش‌های خود به مثبت بودن تأثیر آن در مسائل تعلیم و تربیت اذعان دارند، ولی در مورد تنبیه از یک سو، بین دیدگاه اسلام و علم روان‌شناسی و از سوی دیگر، بین خود روان‌شناسان اختلاف نظرهای گسترده‌ای وجود دارد که این مقاله به بررسی آنها می‌پردازد.

صاحب‌نظران مسائل تعلیم و تربیت معتقدند که بحث درباره تشویق و تنبیه یکی از مهم‌ترین و در عین حال، پیچیده‌ترین مباحث در تاریخ بشری است. این بحث پیوسته در میان اندیشمندان و حتی مردم عادی مطرح بوده است و نمی‌توان تاریخ مشخصی برای آغاز و پیدایش آن معین کرد. در واقع، قدمت پدیده تشویق و تنبیه به قدمت تاریخ انسان است؛ زیرا از زمان پیدایش انسان در این کره خاکی تاکنون همیشه تشویق و تنبیه در زندگی او کاربرد داشته است. تحقیقات بیشتر محققان تعلیم و تربیت مؤید وجود مقررات و قوانین ویژه در مورد تنبیه کودکان، متریان و دانش‌آموزان و متعلمان خطاکار است. به همین دلیل، در آثار مکتوب یونان باستان و کتاب‌های ادیان گذشته علاوه بر اصل تنبیه، بر نوع و کیفیت آن هم اشاره شده است.

در دو قرن اخیر مباحث تشویق و تنبیه بیشترین توجه روان‌شناسان را به خود جلب کرده است. روان‌شناسان مختلفی که در زمینه یادگیری، اصلاح و تغییر رفتار مطالعاتی انجام داده و به شرطی‌سازی پرداخته‌اند به نقشی که تشویق و تنبیه در شرطی شدن دارد اشاره کرده‌اند. شاید بتوان سده اخیر را دوران مطالعات نظام‌مند در زمینه تشویق و تنبیه دانست. اندیشمندان رشته روان‌شناسی و تعلیم و تربیت با توجه به دیدگاه‌ها، پیش‌فرض‌ها و انتظارات خاص خود، پدیده تشویق و تنبیه را مورد بررسی قرار داده‌اند.

موضوع این مقاله «بررسی نقش تنبیه در تعلیم و تربیت از دیدگاه روان‌شناسی و دین اسلام» است. لازم است درباره انتخاب این موضوع به نکته‌ای اشاره شود. در دهه‌های اخیر، یک تفکر بر نظام آموزش و پرورش کشورهای غربی سایه افکنده است که سایر

## اهداف تحقیق

از جمله عواملی که تقریباً همیشه نقش تعیین‌کننده در هر پژوهشی ایفا می‌کند و یکی از مباحث مهم در تعلیم و تربیت به حساب می‌آید، هدف یا هدف‌هایی است که در یک تحقیق و پژوهش دنبال می‌شود. تعیین، پیش‌بینی و با انتخاب هدف یک پژوهش برحسب نوع و ابزار تحقیق، کم و کیفی متفاوت دارد.

منظور از هدف، وضع مطلوبی است که پژوهشگر شخصاً یا به وسیله متخصصان به شکل آگاهانه آن را سودمند تشخیص داده و برگزیده است و برای تحقق آن، فعالیت‌های آگاهانه‌ای انجام می‌دهد. پس هر خواسته یا آرزویی را که فرد در عالم خیال دارد، نمی‌توان هدف نامید. به همین سبب، تعیین هدف چندان هم کار آسانی نیست و نیاز به مطالعات گسترده دارد.

با توجه به مباحث ارائه شده پیش از شروع به تحقیق، لازم است ابتدا اهداف پژوهش مشخص شود تا به عنوان نقشه راه، عوامل بیان‌کننده مقصد ما از این پژوهش باشد؛ زیرا بدون تعیین دقیق اهداف، با برخی عوامل پیش‌بینی نشده مواجه خواهیم شد که تمام فکر ما را به خود مشغول کرده و به بیراهه خواهد برد.

اهداف پژوهش را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. شناخت دیدگاه اسلام و علم روان‌شناسی نسبت به تنبیه؛

۲. بررسی دیدگاه مکتب اسلام و علم روان‌شناسی

درباره نقش تنبیه در تعلیم و تربیت؛

۳. بررسی وجه تمایز دیدگاه اسلام از روان‌شناسی

نسبت به اعمال تنبیه در عرصه تعلیم و تربیت.

پرسش اصلی تحقیق عبارت است از: آیا از دیدگاه

اسلام و روان‌شناسی تنبیه در تعلیم و تربیت جایز است؟

پرسش‌های فرعی نیز به قرار زیرند:

۱. چه نظریه‌هایی در زمینه تنبیه وجود دارد؟

۲. دیدگاه اسلام در مورد تنبیه چیست؟

۳. دیدگاه روان‌شناسی در مورد تنبیه چیست؟

## پیشینه تحقیق

آثاری که در زمینه تنبیه تألیف شده‌اند هر یک به بعضی از اصول تربیتی تنبیه پرداخته‌اند و بیشترین آثار به توصیه‌های تربیتی در زمینه اعمال تنبیه اشاره دارند.

آثار موجود در زمینه تنبیه را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد. یک بخش از این آثار متأثر از تفکر ممنوعیت تنبیه تدوین شده‌اند. این دسته از آثار، تنبیه را یک عمل غیرتربیتی تلقی کرده و با برشمردن عوارضی برای اعمال آن، این جنبه را بسیار برجسته کرده‌اند. از جمله این آثار، می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره کرد: **تنبیه کودک** (نگرشی

بر کودک آزاری) تألیف سهراب هممتی و همکاران؛ **تنبیه و تنبیه بدنی در آموزش و پرورش** نوشته عزیز عبادی‌فرد؛ **تنبیه و کودک آزاری** نوشته محمد یاری‌گر روش؛ **چرا تنبیه؟** تألیف عبدالله مجوزی و چگونگی و بدون تنبیه تربیت کنیم نوشته مریم احمدی شیرازی. بخش دوم، آثاری هستند که به موضوع تشویق و تنبیه به عنوان دو

ابزار تربیتی پرداخته‌اند. این آثار، تنبیه را فی‌الجمله به عنوان یک عامل مؤثر در عرصه تعلیم و تربیت پذیرفته و برای اعمال آن توصیه‌های را نسبت به شرایط و اصول آن

بیان کرده‌اند. نمونه‌هایی از این آثار عبارتند از: **تنبیه بدنی آخرین راه حل است** تألیف فریده حیدرلو؛ **تشویق و**

**تنبیه از دیدگاه قرآن کریم** تألیف فرشته کاشانی‌ها؛ **تشویق و تنبیه در آینه قرآن و حدیث** تألیف عباس

محمدتقی صراف و **تشویق و تنبیه فراگیران در تعلیم و تربیت** تألیف جانم‌راد طهماسبی.

آثار موجود در زمینه تنبیه کمتر جنبه استدلالی و

به کسی آموختن، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن» معنا کرده است.<sup>(۳)</sup>

### ب. تنبیه در اصطلاح

در اصطلاح، از تنبیه یا Punishment، تعاریف متعددی ارائه شده است که در ذیل، به برخی از آنها اشاره می‌شود: آزرین<sup>(۴)</sup> و هولنز<sup>(۵)</sup> در تعریف تنبیه می‌گویند: «تنبیه کاهش دادن احتمال بروز آتی یک پاسخ است که در نتیجه ارائه محرکی پس از آن پاسخ حاصل می‌شود؛ محرک ارائه شده محرک تنبیه‌کننده و کل فرایند تنبیه نام دارد.»<sup>(۶)</sup> رینولدز<sup>(۷)</sup> در تعریف تنبیه چنین می‌گوید: «تنبیه عبارت است از ارائه مشروط یک رویداد آزاردهنده یا حذف یک رویداد تقویت‌کننده. افزون بر آن، تنبیه مثبت شامل ارائه یک محرک آزارنده است که اغلب دردناک یا ناخوشایند است.»<sup>(۸)</sup>

بر اساس این تعریف، یک محرک آزارنده بر حسب احساسات دردناک یا ناخوشایند تعریف نمی‌شود، بلکه بر اساس تغییری که در رفتار ایجاد می‌کند تعریف می‌شود. یک محرک آزارنده، محرکی<sup>(۹)</sup> است که ارائه مشروط آن، احتمال بعدی رفتار را کاهش می‌دهد.

گاتری می‌گوید: «تنبیه به وسیله آنچه که ارگانسیم تنبیه شده را به انجام آن وامی‌دارد تعریف می‌گردد. تنبیه نه به علت ناراحتی که تولید می‌کند، بلکه به سبب اینکه نحوه پاسخ‌دهی فرد به محرک‌های معین را تغییر می‌دهد، مؤثر است. تنبیه در صورتی مؤثر است که پاسخ تازه‌ای را به محرک‌های قدیمی ایجاد کند. تنبیه به این علت در تغییر دادن عادت نامطلوب مؤثر است که رفتار ناهمساز با رفتار تنبیه شده را ایجاد می‌کند.»<sup>(۱۰)</sup>

ریموند میلتن برگر می‌گوید: «تنبیه یک اصل رفتاری است. زمانی که رفتار با پیامدی که منجر به کاهش در

تحقیقی دارند، ولی در این مقاله سعی شده به صورت استدلالی و از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی تنبیه مورد بررسی قرار گیرد.

این مقاله، دیدگاه‌های موجود در زمینه تنبیه را مورد کنکاش قرار داده است. در بخش‌های دیگر این مقاله با توجه به دو منبع اسلام و روان‌شناسی، سعی شده یک پژوهش جامع در زمینه تنبیه انجام گیرد.

از میان روش‌های سه‌گانه تحقیق در حوزه تعلیم و تربیت (یعنی: تحقیق همبستگی، تحقیق تجربی و تحقیق توصیفی - تحلیلی)، این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. در این روش، ابتدا اطلاعات از آثار و منابع مختلف جمع‌آوری می‌شود، سپس با بررسی، تحلیل و دسته‌بندی آنها، نتیجه‌گیری به عمل می‌آید.

### تعاریف تنبیه

#### الف. تنبیه در لغت

تنبیه، واژه‌ای عربی از باب «تفعیل» و از ماده «نَبَّه»<sup>(۲)</sup> است که در لغت‌نامه‌ها این‌گونه تعریف شده است: «نَبَّه: النبه القيام والانتباه من النوم، و قد نبهه و انبهه من النوم فتنبه و انتبه من نومه، استيقظ، و التنبه مثله؛ برخاستن و بیدار شدن از خواب، بیدار شدن از خواب غفلت. تنبیه هم مانند نبه است؛ یعنی تنبیه هم از این ماده است، و به معنای بیدار شدن از خواب غفلت است. وجه نام‌گذاری مجازات متربیان خطاکار به تنبیه، به خاطر آن است که بدین وسیله، او را از خواب غفلت بیدار می‌کنند. در فرهنگ‌های فارسی برای تنبیه معانی مختلفی بیان شده است؛ از جمله: آگاه و بیدار کردن، واقف گردانیدن بر چیزی، مجازات کردن، گوشمالی دادن، سیاست کردن و چوب زدن.

دهخدا واژه «تربیت» را به «پروردن، آداب و اخلاق را

بازدارندگی از فعالیت‌های نامطلوب بوده است. در طول تاریخ، بشر می‌کوشیده در مواردی که نیاز به ابزارهای بازدارنده پیدا می‌کند، به گونه‌ای از این ابزارها استفاده نماید که با کمترین آسیب بیشترین بهره را از آن ببرد. یکی از این ابزارهای بازدارنده «تنبیه» است که در بهره‌گیری از آن مناقشات زیادی بین صاحب‌نظران مسائل تعلیم و تربیت به وجود آمده است. این صاحب‌نظران را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

دسته اول کسانی هستند که با بهره‌گیری از تنبیه در مسائل تعلیم و تربیت صد در صد مخالفند و هیچ نوع تنبیهی را بر نمی‌تابند و تنها راه تربیت را تشویق می‌دانند. به نظر این عده، اگر قرار شود کودکی تنبیه شود باید طبیعت و آثار طبیعی اعمالش او را تنبیه کند.

دسته دوم، ذات کودک را ناسالم و شرور می‌دانند و معتقدند برای اصلاح او سزاوار است سخت‌ترین تنبیه‌ها اعمال شود؛ زیرا هنگام خلاف و جرم، روح شیطان در کالبد او حلول می‌کند؛ از این رو، باید او را به شدت تنبیه کرد تا شیطان از کالبدش خارج شود.

دسته سوم، مکاتب و صاحب‌نظرانی هستند که با اصل تنبیه به عنوان یک ابزار تربیتی موافقت، ولی اصل را بر تشویق می‌دانند و تنبیه را در صورتی که ابزارهای ترغیبی اثرگذار واقع نشد، به عنوان آخرین راه حل می‌پذیرند. البته در اعمال آن، از حیث کمیت و کیفیت باید شرایط ویژه‌ای را رعایت کرد. در این قسمت، به بررسی نظر موافقان و مخالفان تنبیه می‌پردازیم.

#### ۱. قایلان به جواز تنبیه

در میان صاحب‌نظران مسائل تربیتی، روان‌شناسی و اجتماعی غرب، افراد و مکاتب زیادی وجود دارند که تنبیه را به عنوان یک ابزار تربیتی و تعلیمی پذیرفته و

احتمال بعدی رفتار می‌گردد دنبال شود، تنبیه اتفاق می‌افتد. پیامد پیرو رفتار ممکن است شامل ارائه رویداد محرک (تنبیه مثبت) یا رویداد محرک (تنبیه منفی) شود.» دو برداشت از تنبیه وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. یک برداشت عامیانه از تنبیه وجود دارد و آن عبارت است از رنج و احساس دردی که در اثر اعمال محرک دردناک ایجاد می‌گردد. بسیاری از والدین، هنگامی که کودک را مورد آزار جسمی قرار می‌دهند و در اثر آن، کودک احساس درد می‌کند، می‌گویند او را تنبیه کردم، صرف نظر از اینکه احتمال تغییر رفتار وجود داشته باشد یا خیر.

۲. برداشت دومی که از تنبیه می‌شود و مطابق با تعریف لغوی ماده «نبه» است، برداشتی است که صاحب‌نظران این موضوع بیان داشته‌اند و آن عبارت است از کاهش احتمال رفتار در اثر ارائه یک محرک، اعم از اینکه آن محرک آزارنده باشد (تنبیه مثبت) و یا غیر آزارنده (تنبیه منفی). بنابر این تعریف، حتی زمانی که هیچ محرک آزارنده‌ای هم اعمال نشود، ولی تقویت‌کننده‌های محیط کم شود و موجب حذف رفتار گردد می‌توان گفت تنبیه صورت گرفته است.

بنابر برداشت اول، صرف ارائه محرک آزاردهنده تنبیه تلقی می‌شود بدون توجه به نتیجه کار؛ اما بنا بر تعریف اصطلاحی، احتمال کاهش که در اثر اعمال محرک به وجود می‌آید تنبیه است.

#### بررسی تنبیه از دیدگاه‌های مختلف

##### الف. دیدگاه علم روان‌شناسی

از دیرزمان از ابزارهای گوناگونی برای تعلیم و تربیت، استفاده می‌شده است. بعضی از این ابزارها جنبه انگیزشی برای انجام فعالیت‌های متریبان داشته و بعضی دیگر جنبه

معتقد به جواز تنبیه هستند.

تنبیه تنها در صورتی مؤثر است که پاسخ تازه‌ای را به محرک‌های قدیمی ایجاد کند. تنبیه به این علت در تغییر دادن عادت نامطلوب مؤثر است که رفتار ناهمساز با رفتار تنبیه‌شده را ایجاد می‌کند. وقتی که رفتار حاصل از تنبیه با رفتار تنبیه‌شده ناهمساز نباشد، تنبیه ناموفق است. (۱۳)

بر اساس دیدگاه گاتری، تنبیه بر اساس قانون مجازات قابل تبیین است. وقتی تنبیه در حضور محرک‌هایی که رفتار نامطلوب را فرامی‌خواند ارائه شود، بین این محرک‌ها و تنبیه، ایجاد تداعی می‌شود و اگر فرد بار دیگر با همان محرک‌ها مواجه شود، تنبیه تداعی می‌گردد و مانع از انجام رفتار نامطلوب می‌شود. بنابراین، تأثیر تنبیه به حالتی که ایجاد می‌کند بستگی دارد نه به اصل تنبیه.

۴. آلبرت بندورا: به نظر بندورا (۱۹۶۹)، فرایندهای تقلید یکی از راه‌های اساسی برای فراگیری شیوه‌های جدید رفتار و تغییر الگوهای رفتار موجود زنده است. (۱۴)

بندورا معتقد است: یکی از انواع تنبیه، تنبیه جانشینی (۱۵) است که عبارت است از: احساس نوعی تنبیه دست دوم - یا جانشینی - از مشاهده رفتار توسط فرد دیگر؛ گویی مشاهده‌کننده تصور می‌کند الگو به این دلیل رفتاری را ترک می‌کند که به خاطر آن تنبیه شده است. بنابراین، در مشاهده‌گر این منطق شکل می‌گیرد که هر کس دیگری هم که همان رفتار را انجام دهد همان تنبیه را دریافت خواهد کرد. (۱۶)

نظریه یادگیری اجتماعی تا حدی مبتنی بر الگوی شرطی‌سازی عاملی است. در این نظریه، با تأکید بر توانایی انسان برای نمادسازی، جست‌وجوی روابط علت و معلول و پیش‌بینی پیامدهای رفتار، بر نقش مشاهده رفتار دیگران تأکید دارد و نقشی که تنبیه الگو برای اصلاح رفتار مشاهده‌گر دارد، بندورا را معتقد به جواز تنبیه کرده است.

۱. جان لاک: آثار تربیتی لاک که بر قرن هجدهم حاکم شد، امروزه نیز تعلیم و تربیت را تحت تأثیر قرار داده است. او درباره تنبیه کودکان در اجرای برنامه تربیتی می‌گوید: «من معتقدم کودکان که بیش از دیگران تنبیه می‌شوند به ندرت بهترین انسان‌ها خواهند شد. آنچه تاکنون به خاطر آن محکوم شده‌ام، این است که معتقدم سخت‌گیری، هرچه باشد، لازم، و بیش از آن باید در مورد کودکان به کار گرفته شود و بعد از اینکه با کاربرد به‌جا تأثیر خود را گذاشت، رها و به نوع معتدلی از سلطه تبدیل شود.» (۱۱)

۲. امانوئل کانت: کانت تنبیه را به دو نوع تقسیم می‌کند: تنبیه طبیعی و تنبیه مصنوعی.

وی در توضیح این دو می‌گوید: «نافرمانی همیشه تنبیه را به دنبال دارد. تنبیه دو قسم دارد:

اول. تنبیهی است که در واقع، طبیعی است که آدمی با رفتار خودش موجب می‌گردد؛ مثل اینکه کودکی از پرخوری مریض شود. این تنبیه، بهترین تنبیه است؛ زیرا آدمی نه تنها در کودکی، بلکه در سراسر زندگی در معرض آن قرار دارد.

دوم. تنبیه مصنوعی است. با ملاحظه علاقه کودک به محبوبیت و مورد احترام واقع شدن، تنبیه بدنی باید به گونه‌ای انتخاب شود که تأثیری پایدار بر منش کودک بگذارد.» (۱۲)

۳. تحلیل ادوین ری گاتری از تنبیه: گاتری، استاد روان‌شناس دانشگاه واشنگتن، معتقد بود:

کارآمدی تنبیه به این بستگی دارد که تنبیه بتواند فرد تنبیه‌شده را به انجام کار مورد نظر وادارد. تنبیه نه به این خاطر که تولید ناراحتی می‌کند تأثیرگذار است، بلکه به سبب اینکه نحوه پاسخ‌دهی فرد به محرک‌های معین را تغییر می‌دهد مؤثر است.

مخرب کودکان، مربوط به آزمایشی است که لواس،<sup>(۲۴)</sup> شافر،<sup>(۲۵)</sup> سیمونز<sup>(۲۶)</sup> (۱۹۶۵) انجام دادند.

روش تغییر رفتار این‌گونه به کار برده شد که دو کودک در یک اتاق آزمایش ۴ در ۴ متر که به کف فلزی آن یک شوک برقی (دردناک و ترسناک) وارد می‌شد قرار داده شدند. در جلسات پیش از اعمال شوک، خط پایه عملکرد کودکان برای فعالیت‌های زیر تعیین شد: تماس بدنی با آزمایشگر، رفتار قشقرق و زدن خود، و پاسخ به دستورات آزمایشگر. در مرحله خط پایه پیش از اعمال شوک، کودکان نه به دستورات آزمایشگر پاسخ دادند و نه هیچ‌گونه تماس جسمی با او داشتند، اما رفتار خودزنی و پرخاشگری زیادی از خود نشان دادند.

در مرحله آزمایش یا در طول جلسات که شوک به کودکان داده شد، وقتی که کودک شروع به رفتار خودزنی یا قشقرق می‌کرد شوک به کف اتاق وصل می‌شد، اما وقتی که او به دعوت آزمایشگر برای نزدیک شدن به او پاسخ می‌داد شوک قطع می‌شد.

نتیجه اینکه هم فراوانی رفتار پاسخ دادن کودکان به درخواست آزمایشگر به سرعت افزایش یافت و هم تماس جسمی کودکان با آزمایشگر. این رفتارهای بهبود یافته پس از قطع شوک، به مدت ۱۰ ماه ادامه یافتند، که در آن زمان یک بار شوک دادن لازم آمد. چنان‌که ملاحظه شد، در این آزمایش، روش تنبیه استفاده از شوک برقی، هم رفتار مخرب خودزنی را کاهش داد و هم موجب افزایش رفتار اجتماعی آنان گردید.<sup>(۲۷)</sup>

آزمایشی که توسط وایتینگ و مساورر<sup>(۲۸)</sup> (۱۹۴۳) انجام شد حاکی از این است که تنبیه شیوه مؤثری برای کنترل رفتار است.<sup>(۲۹)</sup>

از مجموعه مطالب ارائه شده از دیدگاه قایلان به جواز تنبیه، می‌توان دلایل آنان را در موارد زیر خلاصه کرد:

۵. **دونالدا ولدینگ هب**<sup>(۱۷)</sup>: هب پس از آنکه از رفتارگرایی مشتق شده از نظریه پاولف روی برگرداند، در تمام عمر از مخالفان سرسخت رفتارگرایی بود. از این‌رو، هب را می‌توان یک شناخت‌گرا برشمرد.

هب علاقه شدیدی به اصلاح روش‌های آموزشی داشت. او در این‌باره چندین آزمایش موفقیت‌آمیز انجام داد. در یکی از این آزمایش‌ها نتیجه گرفت: کار اضافی مدرسه نباید به صورت تنبیه به کار رود؛ زیرا این کار در دانش‌آموزان نگرش منفی نسبت به مدرسه ایجاد می‌کند. او فکر می‌کرد نوعی تنبیه برای حفظ نظم ضروری است و به جای دادن کار اضافی، به تنبیه ملایمی که با شلاق زدن به کف دست دانش‌آموزان صورت می‌گرفت اکتفا می‌کرد.<sup>(۱۸)</sup>

**دلایل قایلان به جواز تنبیه:** اگرچه روان‌شناسان می‌گویند تنبیه در از بین بردن رفتارهای ناخوشایند چندان مؤثر واقع نمی‌شود، شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد تنبیه دست‌کم در جلوگیری از این رفتارها می‌تواند خیلی مؤثر باشد. در واقع، این استدلال که تنبیه به خاموشی رفتار مورد نظر منجر نمی‌شود، واقعاً بی‌ربط است. به رغم اینکه افراد زیادی تنبیه را غیراخلاقی می‌دانند، موقعیت‌هایی وجود دارد که در آنها استفاده از تنبیه مؤثرترین گزینه است. برای مثال، لورمن،<sup>(۱۹)</sup> ایواتا،<sup>(۲۰)</sup> شور،<sup>(۲۱)</sup> دلیون<sup>(۲۲)</sup> (۱۹۹۷)، تحقیقی را در این زمینه انجام دادند. در این تحقیق، آزمودنی‌هایی که در معرض برنامه‌های تنبیه پیوسته (محروم کردن با روش‌های قید و بند) قرار گرفتند، یعنی هنگام شروع رفتار خودآزاری، تنبیه می‌شدند، این رفتارها را به نحو چشمگیری کاهش دادند. جالب اینکه وقتی اجرای تنبیه از برنامه پیوسته به فاصله‌ای ثابت تغییر یافت، شیوع رفتارهای خودآزاری دوباره به سطح پیش از درمان برگشت.<sup>(۲۳)</sup>

نمونه‌ای دیگر از کاربرد تنبیه در اصلاح رفتارهای

بود که تمایل کمتری نسبت به انجام این کار از خود نشان خواهد داد و یا شخصی که به علت حمله به دیگران زندانی می‌شود الزاماً نسبت به دیگران تمایل کمتری نخواهد داشت. در اینجا نظر برخی از صاحب‌نظران این تفکر را بررسی می‌کنیم:

۱. ژان ژاک روسو: روسو فیلسوفی بود که مطالب زیادی در مورد تعلیم و تربیت ارائه کرد و روان‌شناسان زیادی مانند پارکر،<sup>(۳۰)</sup> استانلی هال،<sup>(۳۱)</sup> فریدریش فروبل،<sup>(۳۲)</sup> و پستالوزی،<sup>(۳۳)</sup> تحت تأثیر نظریات او قرار گرفتند.<sup>(۳۴)</sup>

روسو، از مخالفان تنبیه بدنی، معتقد است: ذات انسان‌ها اساساً خوب است، اما به سبب تمدن به انحراف کشیده می‌شود. نباید برای اصلاح کودک به تنبیه او متوسل شد؛ زیرا طبیعت برای هر عملی مجازاتی را پیش‌بینی کرده است. کودکی که با عجله می‌دود و به زمین می‌خورد و پایش زخم می‌شود این خود تنبیه است. بنابراین، می‌توان روسو را قایل به مجازات طبیعی دانست. او می‌گوید: «طبیعت برای تنبیه بدن وسایلی کامل دارد که نباید هرگز از آن جلوگیری کرد. اگر طفل می‌خواهد راه برود نباید او را مجبور به توقف کرد و اگر خواست توقف کند نباید او را به راه رفتن مجبور ساخت.»<sup>(۳۵)</sup>

۲. هربرت اسپنسر: اسپنسر می‌گوید: بهترین سنتی که باید در تأدیب طفل از آن پیروی شود مجازات طبیعی است که متجانس با عمل اوست. اما تنبیه بدنی و توبیخ کودک، از نوع تنبیه و مجازاتی است که فاقد هرگونه ارزش و اهمیت است؛ چون مخالف با قوانین طبیعت است و تنبیه کودک توسط والدین و مربیان با جرم او تناسب ندارد. ولی تنبیه طبیعت به میزان صحیح و عادلانه اجرا می‌شود، عواطف و احساسات هیچ‌گونه نقشی در آن ندارند، و شفاعت هیچ‌کس را نمی‌پذیرد.

۳. بوروس فردریک اسکینر:<sup>(۳۶)</sup> اسکینر یکی از

۱. مطالعات میدانی صورت‌گرفته بر روی آزمودنی‌های انسانی نشان داده است که تنبیه باعث کاهش خودآزاری در افراد عقب‌افتاده بزرگسال می‌شود.

۲. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، مشاهده الگوهایی که مورد تنبیه قرار گرفتند موجب کاهش و کنترل رفتار مشاهده‌کنندگان شد؛ یعنی مشاهده تنبیه دیگری می‌تواند به اندازه تجربه تنبیه در کاهش رفتار نامطلوب مؤثر باشد.

۳. مطالعات صورت‌گرفته بر روی حیوانات نشان می‌دهد وقتی برای ترک عادت قبلی و به وجود آوردن عادت جدید در موش‌ها از روش‌های مختلف استفاده می‌شود، موش‌هایی که برای ترک عادت قبلی تنبیه شده بودند کمتر به عادت قبلی برگشتند. در مقابل، موش‌هایی که از روش‌های غیرتنبیهی برای ایجاد عادت جدید و ترک عادت قبلی بهره‌برده بودند بیشتر به عادت قبلی خود برگشتند.

۴. کودکانی که دارای رفتارهای اضافی و قشقرق بودند بعد از تنبیه و وارد کردن شوک به آنها، رفتارشان بهبود یافت و بعد از قطع شوک، تا ده ماه نیاز مجدد به شوک پیدا نکردند.

## ۲. مخالفان تنبیه در روان‌شناسی

در میان صاحب‌نظران علم تعلیم و تربیت و روان‌شناسی افرادی هستند که استفاده از تنبیه را یا مطلقاً رد می‌کنند یا بعضی از صور تنبیه را غیرمؤثر می‌دانند. اینان معتقدند: اگرچه تنبیه برای حذف رفتار نادرست، خطرناک، یا نامطلوب از خزانه رفتار فرد طرح‌ریزی می‌شود، و فرض این است که کسی که به خاطر انجام رفتاری تنبیه می‌شود با احتمال کمتری آن رفتار را انجام خواهد داد، ولی موضوع به این سادگی نیست. کودکی که به سبب بازی جنسی به شدت تنبیه می‌شود الزاماً به این معنا نخواهد



قرار می‌گیرد به محرک‌های مختلف که هنگام تنبیه وجود دارند پاسخ یکسان می‌دهد. در نتیجه، به محرک‌های مختلف موجود در هنگام تنبیه پاسخ‌های هیجانی می‌دهد که این امر در روند تعلیم و تربیت خطرآفرین است. (۴۲)

۲. تنبیه، صدمه زدن به دیگران را توجیه می‌کند. (۴۳)

یکی دیگر از دلایل عدم جواز تنبیه این است که کودک وقتی مورد تنبیه قرار می‌گیرد، یاد می‌گیرد که چگونه به دیگران صدمه بزند. (۴۴)

۳. تنبیه اغلب یک پاسخ نامطلوب را جانشین پاسخ نامطلوب دیگری می‌سازد.

اسکینر معتقد است: فرد تنبیه شده ممکن است برای احتراز از تنبیه به رفتاری که تنبیه به دنبال دارد نرود، ولی با استفاده از سازوکارهای دفاعی «واپس زدن»، (۴۵) پاسخ‌های نامطلوب دیگری را جانشین رفتار تنبیه شده کند. (۴۶)

۴. تنبیه به فرد تنبیه شده نشان می‌دهد که چه کار نکنند، نه اینکه چه کار بکنند تنبیه فقط این بازخورد را می‌دهد که رفتار صادر شده از فرد درست نبوده و باید یادگیری صورت بگیرد، اما اینکه چگونه باید این یادگیری حاصل شود، آگاهی خاصی نمی‌دهد. (۴۷)

۵. بازگشت سریع بعد از حذف تنبیه.

۶. آموزش پرخاشگری نسبت به دیگران. (۴۸)

۷. آزمایش‌های میدانی: یکی از آزمایش‌هایی که اسکینر را به این نتیجه‌گیری واداشت که تنبیه نمی‌تواند در اصلاح مؤثر باشد آزمایشی بود که توسط دانشجوی او استیس انجام گرفت. (۴۹)

اسکینر از این آزمایش نتیجه می‌گیرد که تنبیه کوتاه‌مدت اثر می‌گذارد و موجب واپس‌زنی می‌شود و زمانی که دیگر تهدید تنبیه وجود نداشته باشد.

**نقد و بررسی:** مخالفان اعمال تنبیه، برای اثبات دیدگاه خود دلایلی را اقامه کرده‌اند که به نقد و بررسی آنها می‌پردازیم:

روان‌شناسانی است که با تنبیه مطلقاً مخالف است و استفاده از هر نوع تنبیه را در تعلیم و تربیت منع می‌کند. وی معتقد است: اگرچه تنبیه برای حذف رفتار نادرست و یا نامطلوب از خزانه رفتار فرد طراحی شده است و تصور این است که وقتی کودکی به خاطر رفتار ناپسند تنبیه می‌شود با احتمال کمتری آن رفتار را انجام خواهد داد؛ ولی موضوع به این سادگی نیست. اگرچه تنبیه باعث خاموشی موقت می‌شود، اما پس از آنکه وابستگی‌های تنبیهی از میان رفتند، رفتار تنبیه شده ظاهر می‌شود. یکی از آزمایش‌هایی که اسکینر را به این نتیجه‌گیری واداشت، آزمایشی بود که توسط دانشجوی او استیس (۳۷) انجام گرفت. (۳۸)

۴. ادوارد لی ثرنندایک: (۳۹) ثرنندایک بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز یادگیری در تمام طول تاریخ روان‌شناسی است. وی در قانون اثر تجدیدنظر شده خود پس از ۱۹۳۰ با آزمایش‌هایی که بر روی انسان انجام داد تنها نیمی از قانون اثر اولیه خود را اثبات کرد.

ثرندایک یک قانون اثر جدید خود را این‌گونه تبیین کرد: تقویت نیرومندی یک پیوند را افزایش می‌دهد، در حالی که تنبیه بر نیرومندی پیوند هیچ اثری ندارد. (۴۰)

این قانون، اثر عمیقی بر نظریه سنتی تداومی‌گرایی گذاشت و آن را با شک و تردید همراه کرد. این نظریه معتقد بود که مجاورت بین محرک و پاسخ به تنهایی سبب نیرومند شدن تداومی می‌شود، و همراه شدن رفتار نامناسب با تنبیه موجب تضعیف رفتار نامطلوب می‌گردد.

**دلایل مخالفان تنبیه:** مخالفان اعمال تنبیه، بخصوص تنبیه بدنی، برای اثبات نظر خود، علاوه بر آزمایش‌های میدانی که بر روی حیوانات و انسان انجام داده‌اند، به بعضی عوارض روحی - روانی و موانع اخلاقی اشاره کرده‌اند.

در ذیل، به برخی از این عوارض اشاره می‌شود:

۱. عوارض جانبی هیجانی: (۴۱) کودکی که مورد تنبیه

سرخ و کبود نگردد. بدیهی است تنبیه با چنین شرایطی نمی‌تواند عوارض مورد نظر اسکینر را به جای بگذارد. مضافاً بر اینکه آنچه را اسکینر گفته است از عوارض تنبیه بدنی است و با دیدگاه او که با هرگونه تنبیه مخالف است، تناسب ندارد، و در واقع، دلایل او اخص از مدعایش است. ۳. دلیل دیگر مخالفان تنبیه این است که تنبیه نشان می‌دهد چه کاری را نباید انجام داد، اما هیچ‌گونه آموزش و آگاهی را در اختیار دانش‌آموز قرار نمی‌دهد. این استدلال ناشی از غفلت از اصول تنبیه است. صاحب‌نظران مسائل تربیتی یکی از اصول تنبیه را بیان علت تنبیه برای مرتبی و انتظاری که از او دارند می‌دانند.

ثانیاً، در اغلب موارد، تنبیه علاوه بر حذف رفتارها و عادات‌های غلط گذشته، موجب آموزش عادت‌ها و رفتارهای جدید می‌شود. همان‌گونه که در آزمایش وایستینگ و مساورر (۱۹۴۳) بر روی موش‌ها صورت گرفت، موش‌هایی که شوک دریافت کرده بودند سریع‌تر روش دیگری برای رسیدن به هدف از طریق گذرگاه جدید پیدا کردند.

۴. آزمایش‌های میدانی صورت‌گرفته یکی دیگر از دلایل ناکارآمدی تنبیه در زمینه تعلیم و تربیت است. ولی آنچه مسلم است همه روان‌شناسان تأثیر کوتاه‌مدت تنبیه را پذیرفته‌اند؛ همان‌گونه که اسکینر از آزمایش استیمس بر روی موش‌ها نتیجه می‌گیرد که تنبیه تأثیر کوتاه‌مدت می‌گذارد. بنابراین، مخالفت با اصل تنبیه نمی‌تواند قابل پذیرش باشد. نکته قابل توجه این است که والدین و مربیان باید برای استمرار بازدارندگی حاصل از تنبیه سازوکارهای تشویقی مناسبی را به کار بگیرند تا مسائل تربیتی در وجود کودکان نهادینه شود.

۵. یکی دیگر از دلایل مخالفان تنبیه، ایجاد عوارض جانبی هیجانی است. کودک با تعمیم‌دهی به عوامل

۱. یکی از دلایل مخالفان اعمال تنبیه، وجود تنبیه‌های طبیعی برای رفتارهای ناهنجار است. اسپنسر معتقد است که این تنبیهات هم عادلانه است و هم عواطف و احساسات هیچ‌گونه دخالتی در آن ندارد. این دیدگاه از جهات مختلف قابل مناقشه است.

اولاً، چگونه می‌توان اجازه داد کودک اقدام به رفتارهای خطرناک کند و والدین و مربیان منتظر باشند تا طبیعت او را تنبیه کند؟ کدام منطق اجازه می‌دهد کودک را آزاد گذاشت با اشیای تیز و برنده بازی کند تا دستش ببرد آن‌گاه از بازی با اشیای برنده خودداری کند؟

ثانیاً، کودکی که با اشیای خطرناک بازی می‌کند و به چشم خود آسیب می‌رساند و تا پایان عمر نابینا می‌شود چگونه می‌توان گفت این یک تنبیه عادلانه است و والدین نباید در این امر دخالت کنند؟

ثالثاً، دخالت نداشتن عواطف و احساسات در تنبیه‌های طبیعی یکی از نقاط ضعف این دیدگاه است؛ زیرا مطالعات نشان داده است والدینی که هنگام تنبیه کودک عواطف و احساسات خود را بیان می‌کنند، تنبیه‌شان ثمر بخش‌تر است.

۲. یکی دیگر از دلایل مخالفان تنبیه، بخصوص نوع بدنی آن، عوارض هیجانی و موانع اخلاقی است که بر آن مترتب می‌شود. بر اساس دیدگاه اسکینر، تنبیه صدمه زدن به دیگران را توجیه می‌کند و یک پاسخ نامطلوب را جانشین پاسخ نامطلوب دیگر می‌کند و ترس حاصل از تنبیه را به سایر موارد زندگی تعمیم می‌دهد. این آثار برای تنبیه، مبتنی بر این تفکر است که والدین و مربیان در تنبیه کودکان و دانش‌آموزان آزادند به هر مقدار و با هر کیفیت که خواستند آنها را تنبیه کنند. در حالی که جواز تنبیه به این معنا نیست که تنبیه‌کنندگان مطلق‌العنان باشند، بلکه باید به صورتی تنبیه کنند که صدمه‌ای به کودک وارد نشود و بدن او

از دنیوی و اخروی، معرفی می‌نماید و در آیات مختلف به این موضوع اشاره می‌کند. با استقرایی که در آیات قرآن صورت گرفت، قریب ششصد آیه مربوط به تنبیه استخراج شد. در یک تقسیم‌بندی می‌توان آیات تنبیه را در قرآن به سه دسته تقسیم کرد:

۱-۱. **تنبیه به عنوان مجازات حقوقی (حد و تعزیر):** قرآن کریم در بخشی از آیات که به عنوان آیات الاحکام شناخته می‌شوند، برای بعضی از خطاها و جرم‌ها مجازات‌های خاصی را تعیین کرده است؛ مثلاً، در مورد مرد و زن زنا کار می‌فرماید: ﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ﴾ (نور: ۲)؛ هریک از زن و مرد زناکار را صد ضربه تازیانه بزنید.

نیز برای کسانی که افراد پاکدامن را به اعمال منافی عفت متهم می‌کنند و برای این کار خود هیچ دلیل و شهادی ندارند، مجازات بدنی در نظر گرفته است: ﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً﴾ (نور: ۴)؛ و کسانی که زنان پاکدامن را (به زنا) متهم می‌کنند، سپس چهار شاهد (بر مدعی خود) نمی‌آورند، آنها را هشتاد تازیانه بزنید.

همچنین آیاتی که حد محارب و سارق را بیان می‌کنند، از آیات الاحکام هستند.

۱-۲. **تنبیه به عنوان تجسم اعمال (جنبه تکوینی اعمال):** بخش زیادی از آیاتی که مجازات اقوام گذشته را بیان می‌کنند در مورد نتیجه اعمال آنان می‌باشند؛ از جمله داستان اصحاب سبت،<sup>(۵۰)</sup> قوم بنی اسرائیل،<sup>(۵۱)</sup> مجازات ابلیس<sup>(۵۲)</sup> و رانده شدن از درگاه پروردگار.

۱-۳. **تنبیه به عنوان تأدیب:** برخی از آیات قرآن، تنبیه را برای تأدیب و تربیت و اصلاح رفتارهای غیرقابل پذیرش توصیه می‌نمایند: برای نمونه، قرآن درباره کسانی که از

موجود در حال تنبیه، نسبت به آنها شرطی می‌شود. این اشکال مربوط به زمان و کیفیت تنبیه است نه به اصل تنبیه. مربی و والدینی که کودک را مورد تنبیه قرار می‌دهند، باید شرایط را در نظر بگیرند و در زمان مناسب او را تنبیه کنند. کودک باید بداند چرا و به چه علت و به خاطر کدام رفتار نامناسبش مورد تنبیه قرار می‌گیرد.

۶. یکی از اشکالات اسکینر به تنبیه این است که تنبیه یک پاسخ نامطلوب را جانشین پاسخ نامطلوب تنبیه شده می‌کند. این سخن اسکینر اجمالاً اقرار بر مؤثر بودن تنبیه است؛ بدین معنا که تنبیه می‌تواند رفتار نامناسب موجود را حذف کند، اگرچه احتمال دارد یک رفتار نامطلوب دیگر را جانشین آن کند. پس اصل تأثیر تنبیه از دیدگاه اسکینر هم قابل قبول است. اما مسئله جلودگیری از جانشین شدن رفتار نامناسب دیگر به هنر تنبیه‌کننده بستگی دارد؛ یعنی اجازه ندهد کودک از سازوکارهای دفاعی استفاده کند.

۷. یکی دیگر از دلایل اسکینر برای مخالفت با اعمال تنبیه، یادگیری صدمه‌زدن به دیگران است. اولاً، این دلیل اسکینر فقط به یک مصداق از مصادیق تنبیه، یعنی تنبیه بدنی، وارد است. ثانیاً، اگر شرایط اعمال تنبیه رعایت شود می‌توان بدآموزی تنبیه را هم کنترل کرد. همان‌گونه که در مطالعات بندورا نشان داده شده، کودکانی که فیلم تنبیه الگو را مشاهده کرده بودند نه تنها از خود رفتار پرخاشگرانه نشان ندادند، بلکه در موقعیت‌های وسوسه‌کننده بیشتر رفتار خود را کنترل کردند.

## ب. دیدگاه اسلام

### ۱. تنبیه در قرآن

قرآن کریم یکی از ابزارهای بازدارنده از رفتار عنادورزانه نسبت به فرامین پروردگار را تنبیه به انواع مختلف آن، اعم

## ۲. تنبیه در روایات

روایات زیادی از ائمه اطهار علیهم السلام در زمینه تأدیب و تنبیه وارد شده است که می‌توان این روایات را به سه دسته تقسیم کرد:

۱. روایاتی که دال بر تأدیب کودک به خاطر انجام اعمالی است که برای مکلفان حد تعیین شده است.

۲. روایاتی که دلالت بر تأدیب کودک به واسطه انجام اعمالی است که برای آن تعزیر وجود دارد.

۳. روایاتی که برای تأدیب و اصلاح کودک و قرار دادن او در مسیر بهتر وارد شده‌اند؛ مانند وقتی که کودک را برای آموختن کتاب یا یک حرفه مورد تنبیه قرار دهند.

**دسته اول:** یعنی تنبیه کودک به دلیل ارتکاب آنچه دارای حد است.

شکی نیست که بر کودک به خاطر ارتکاب چنین اعمالی حد جاری نمی‌شود، بلکه در چنین مواردی، بر طبق سن کودک عمل می‌شود. در صحیحه حلبی به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است: «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام كَانَ إِذَا أُتِيَ بِغُلَامٍ وَ جَارِيَةٍ لَمْ يَدْرِكَا لِابْتِطَالِ حَدًّا مِنْ حُدُودِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.»

در چنین مواردی، مقدار تأدیب با توجه به سن کودک، به نظر حاکم شرع بستگی دارد: «قِيلَ لَهُ: وَ كَيْفَ كَانَ يَضْرِبُ؟ قَالَ: كَانَ يَأْخُذُ السَّوِطَ بِبِيَدِهِ مِنْ وَسَطِهِ أَوْ مِنْ ثَلَاثَةِ ثَمَّ يَضْرِبُ بِهِ عَلَى قَدْرِ أَسْنَانِهِمْ، وَ لَا يَبْطُلُ حَدًّا مِنْ حُدُودِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.» (۵۵)

در معتبره یزید کناسی از امام باقر علیه السلام نقل است که فرمود: «قَالَ قُلْتُ: الْغُلَامُ إِذَا زَوَّجَهُ أَبُوهُ وَ دَخَلَ بِأَهْلِهِ وَ هُوَ غَيْرُ مُدْرِكٍ أَتَقَامُ عَلَيْهِ الْحُدُودُ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ؟ قَالَ: أَمَّا الْحُدُودُ الْكَامِلَةُ الَّتِي يُؤْخَذُ بِهَا الرِّجَالُ فَلَا، وَ لَكِنْ يَجْلَدُ فِي الْحُدُودِ كُلِّهَا عَلَى مَبْلَغِ سِنِّهِ وَ لَا يَبْطُلُ حُدُودُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، وَ لَا يَبْطُلُ حَقُوقُ الْمُسْلِمِينَ بَيْنَهُمْ.» (۵۶)

دستور پیامبر تخلف نمودند و در جنگ شرکت نکردند می‌فرماید: «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلْفُوا حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ» (توبه: ۱۱۸)؛ و آن سه نفر که (از شرکت در جنگ تبوک) تخلف جستند (و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند) تا آنجا که زمین با همه وسعتش به آنها تنگ شد؛ (حتی) در وجود خویش جایی برای خود نمی‌یافتند؛ (و) دانستند پناهگاهی در برابر عذاب خدا جز رفتن به سوی او نیست. در این آیه، برای تنبیه متخلفان از دستور پیامبر صلی الله علیه و آله، قهر کردن با آنان از جانب پیامبر توصیه می‌شود؛ روشی که موجب گردید درصدد اصلاح خود برآیند و این عمل برای همه مسلمانان موجب عبرت شد. (۵۳)

قرآن کریم در سوره «نساء» برای اصلاح زنانی که از اطاعت همسران خود سر باز می‌زنند، سه نوع تنبیه را پیشنهاد می‌کند: (و زانی را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید؛ و (اگر مؤثر واقع نشد) در بستر از آنها دوری نمایید؛ و (اگر راهی جز شدت عمل نبود) آنها را تنبیه کنید.» (نساء: ۲۴)

علامه طباطبائی معتقد است: این سه علاج برای اصلاح و تربیت است و به صورت ترتیب می‌باشد. و این ترتیب از سیاق کلام فهمیده می‌شود؛ زیرا از ضعیف به شدید است. و اگر هر مرحله موجب اصلاح شود، مرد حق ندارد با بهانه‌جویی به اذیت زن پردازد؛ زیرا در دنباله آیه می‌فرماید: «اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید.» (۵۴)

از دسته سوم به دست می‌آید که از تنبیه، اعم از بدنی و غیربدنی به عنوان یک ابزار تأدیبی در جهت تعلیم و تربیت می‌توان استفاده کرد و در اصلاح رفتارهای ناپسند می‌تواند عامل مؤثری باشد.

۲. **موقفه اسحاق بن عمار:** اسحاق بن عمار می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: گاهی اوقات غلامم را به خاطر بعضی جرم‌ها که مرتکب می‌شود می‌زنم. حضرت سؤال کرد چقدر می‌زنی؟ گفتم: گاهی صد ضربه به او می‌زنم. حضرت با تعجب فرمود: صد ضربه؟ دو بار این سخن را تکرار کرد، و سپس فرمود: آیا حد زنا می‌زنی؟ از خدا بترس (که غلامت را این‌گونه تنبیه می‌کنی). عرض کردم: فدایت شوم، چقدر مناسب است که او را بزنم؟ حضرت فرمود: یک ضربه. عرض کردم: به خدا قسم اگر بداند من او را بیش از یک ضربه نخواهم زد، چیزی برای من باقی نمی‌گذارد، مگر اینکه آن را فاسد می‌کند. حضرت فرمود: پس دو ضربه بزن. گفتم: این هم باعث هلاکت من است. پس پیوسته با آن حضرت اصرار کردم تا به پنج ضربه رسید. سپس حضرت غضبناک شد و فرمود: ای اسحاق، اگر می‌دانی جرم او مستحق حد است بر او حد جاری کن، وگرنه از حدود الهی تجاوز نکن. این حدیث به جواز تنبیه غلام به وسیله مولی و نسبت به مقدار تنبیه دلالت می‌کند. اگرچه امام تا پنج ضربه را بیان فرموده‌اند، ولی ظاهر جمله آخر ارجاع به تشخیص مولی است و او باید بر اساس مصلحت، عبد را تنبیه کند. و از آن‌رو که در بسیاری از موارد، حکم عبد و کودک با هم بیان شده، با الغاء خصوصیت در مورد کودکان هم می‌توان همین حکم را بیان کرد.

۳. **صحیحہ غیاث بن ابراهیم:** قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «أَدَبِ الْيَتِيمَ مِمَّا تُؤَدَّبُ مِنْهُ وَلَدَكَ وَ أَضْرِبْهُ مِمَّا تَضْرِبُ مِنْهُ وَ لَدَكَ.» (۵۸)

غیاث بن ابراهیم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ادب کن یتیم را همان‌طور که فرزندان را تأدیب می‌کنی و بزن او را همان‌طور که فرزندان را می‌زنی.

صریح سخن امام علیه السلام این است که کودکی که به حد ادراک و بلوغ نرسیده شلاق می‌خورد، ولی به حسب سنش و ظاهرش این است که بر کودک حد کامل جاری نمی‌شود. از مجموع روایات متعددی که وجود دارد چنین برداشت می‌شود که اگر کودک مرتکب عملی شود که برای آن عمل، حد معینی تعیین شده است، آن حد بر کودک جاری نمی‌شود، بلکه طبق نظر حاکم و مطابق سن کودک او را مجازات می‌کنند.

**دسته دوم:** اگر کودک مرتکب معصیتی شود که بالغ‌ها نسبت به آن عمل تعزیر می‌شوند.

دلیل خاصی که بیان‌کننده این امر باشد وجود ندارد، ولی بعید نیست از مطلقات روایات و از معتبره یزید کناسی و صحیحہ حلبی، هرچند به الغاء خصوصیت استفاده کرد که کودکان هم مانند افراد بزرگسال چنانچه مرتکب اعمالی شوند که تعزیر دارد، آنها هم تعزیر و تأدیب می‌شوند، ولی تعزیرشان کمتر از مقدار افراد بالغ می‌باشد.

**دسته سوم:** روایاتی که بر تنبیه و تأدیب کودک برای تعلیم و تربیت و اصلاح رفتار او دلالت دارند.

در اینجا به بررسی روایات این بخش که بیشتر به بحث این مقاله ارتباط دارد می‌پردازیم:

۱. **موقفه حماد بن عثمان:** محمد بن یعقوب، عن الحسن بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الحسن بن علی الوشاء، عن حماد بن عثمان، «قَالَ: قُلْتُ لَابِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: فِي أَدَبِ الصَّبِيِّ وَ الْمَمْلُوكِ، فَقَالَ: خَمْسَةٌ أَوْ سِتَّةٌ وَ أَرْفَقَ.» (۵۷)

حماد بن عثمان می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: درباره مقدار تأدیب کودک و مملوک چه می‌فرمایید؟ حضرت فرمود: پنج یا شش ضربه و کمتر.

دلالت این حدیث بر جواز تنبیه کودک صریح است؛ زیرا امام جواز تنبیه را مسلم فرض کرده و مقدار آن را تعیین می‌کند.

گفت: اصل جواز تنبیه بدنی در روایات مسلم است. حتی می توان گفت: در صورتی که هیچ یک از انواع تنبیه کارگر نیفتد، و اصلاح رفتار متوقف بر تنبیه بدنی باشد، تنبیه بدنی جایز خواهد بود؛ زیرا در روایت امیرالمؤمنین علیه السلام لفظ «اضرب» امر است و امر در مقام توهّم حذر دست کم دلالت بر جواز می کند؛ اگر دلالت بر وجوب نکند.

اما در مورد مقدار تنبیه، اگرچه بعضی از روایات در طوایف چهارگانه از نظر سندی معتبر می باشند، ولی فقها به آنها عمل نکرده اند. بنابراین، مقدار متفاوتی که در طوایف چهارگانه روایات وارد شده است نیازمند بررسی دیدگاه فقها و عمل آنها به این است.

### ۳. تنبیه از دیدگاه صاحب نظران مسلمان

تعلیم و تربیت صحیح و پویا از آغاز ظهور اسلام سرلوحه تعلیم اسلام بوده است و صاحب نظران مسلمان، به سبب آشنایی با معارف اسلام، به تعلیم و تربیت توجه ویژه ای داشته و در عرصه نظریه پردازی و اجرای اصول تعلیم و تربیت، از ابزارهای مختلفی بهره برده اند. یکی از این ابزارها که جایگاه خاصی در بین صاحب نظران مسلمان دارد، تشویق و تنبیه است.

صاحب نظران تعلیم و تربیت اسلام، اصل را بر تشویق قرار داده اند و در صورتی که راه های تشویقی مؤثر واقع نشد، تنبیه را به عنوان یک ابزار کارآمد در عرصه آموزش و پرورش توصیه می کنند. در اینجا به بررسی این موضوع از دیدگاه صاحب نظران مسلمان در زمینه تعلیم و تربیت می پردازیم.

۱. **جاحظ (۱۵۰-۲۵۵ق):** جاحظ برای تشویق و تنبیه، نه تنها در صحنه تعلیم و تربیت، بلکه در صحنه سیاست و تدبیر جامعه جایگاه ویژه ای قایل است. او معتقد است: همان طور که خداوند برای هدایت و رشد و تعالی انسانها

دلالت این روایت بر جواز تنبیه بدنی کاملاً واضح است. حضرت اجازه می دهد برای تأدیب یتیم، او را بزنند، همان گونه که برای تأدیب فرزند خود، ممکن است او را بزنند.

۴. **صحیحہ یا موثقه زراره:** زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم در مورد زدن مملوک چه می گوئید؟ امام فرمود: هر کاری که خودش انجام داد چیزی بر او نیست، اما اگر تو را عصیان کرد زدن او اشکالی ندارد. گفتم: چند ضربه؟ امام فرمود: سه یا چهار یا پنج ضربه. (۵۹)

**تذکر:** در روایات، حکم عبد و کودک از جهاتی مشابه هم بیان شده است. یکی از این جهات، تنبیه و تأدیب است؛ مانند موثقه حماد بن عثمان، که وی از امام در مورد تأدیب کودک و عبد سؤال می کند، و حضرت بدون تفصیل، برای هر دو یک حکم را بیان می فرمایند.

مجموعه روایات ارائه شده در زمینه تنبیه را می توان بدین گونه خلاصه کرد: از نظر سندی، روایات چند دسته اند؛ یعنی بعضی صحیح و بعضی موثقه و معتبر و بعضی مرسله اند. ولی در مجموع می توان گفت: روایات، قابل استناد برای موضوع تنبیه می باشند.

دلالت روایات ارائه شده بر تنبیه را نیز می توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. روایاتی که بین پنج تا شش ضربه را برای تأدیب کودک و مملوک جایز شمرده اند؛

۲. روایاتی که مقدار تنبیه را مطلق بیان نموده و مقدار آن را منوط به نظر تأدیب کننده کرده اند؛

۳. روایاتی که بیش از سه ضربه را در تأدیب جایز نمی دانند؛

۴. روایاتی که بیش از سه تا ده ضربه را برای والی جایز نمی دانند و برای تأدیب سه تا پنج ضربه را جایز می دانند.

در جمع بندی بین طوایف مختلف روایات، می توان

اولاً، تنبیه باید دردآور باشد تا بازدارنده باشد. ثانیاً به گونه‌ای نباشد که موجب ضعف و ناتوانی کودک شود. ثالثاً، به سر و صورت کودک نزند. رابعاً، آشکار و در حضور دیگر دانش‌آموزان صورت گیرد تا موجب عبرت آنها شود.

خامساً، آن را به دیگر شاگردان واگذار نکند. (۶۴)

۵. ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۸ق): ابن‌سینا تشویق و تنبیه را به عنوان ابزار تربیت برای والدین و مربیان بیان نموده، و معتقد است: تنبیه ضمانت اجرایی برای منع از رذایل اخلاقی و عادات ناپسند است. مربی باید با عکس‌العمل مناسب در مقابل رفتار کودک از نظر کمی و کیفی به گونه‌ای عمل کند که کودک نسبت به رفتار نامناسب خود متنبه شود. مثلاً، در مقابل رفتار ناپسند او، ابتدا روگردانی، سپس ترش‌روی و پس از آن ترساندن و آنگاه توبیخ کند. (۶۵)

ابن‌سینا تنبیه بدنی را در صورت لزوم جایز می‌شمارد و برای اجرای آن شرایطی را ذکر می‌کند:

۱. اولین تنبیه بدنی باید سخت و دردآور باشد، به گونه‌ای که کودک به شدت از آینده رفتار ناپسند خود بترسد و متوجه باشد چنانچه آن را تکرار کند، تنبیه دردآوری در انتظار اوست.

۲. تنبیه بدنی باید پس از ترساندن شدید صورت گیرد. کودک باید به نتیجه رفتار ناپسند توجه داشته باشد.

۳. قبل از تنبیه باید کسی به‌عنوان میانجی و شفیع مشخص شود تا با وساطت او کودک از تنبیه بی‌مورد حفظ شود. (۶۶)

۶. خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۳ق): خواجه نصیرالدین، با الهام از آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام، تعلیم و تربیت فرزند را بر والدین و مربیان فرض دانسته و بر اجباری بودن آموزش تأکید دارد. (۶۷)

وی می‌گوید: اگر کسی از کودک رفتار ناپسند مشاهده نمود، ابتدا با تعامل با آن برخورد نماید و اگر آن عمل را تکرار کرد، در نهان او را سرزنش نماید و از انجام دوباره او

پاداش و عقاب قرار داده است، تعلیم و تربیت انسان‌ها هم در این عالم بدون تشویق و تنبیه امکان‌پذیر نمی‌باشد. (۶۰)

البته تنبیه باید از جهت کمیت و کیفیت، با رفتار نابهنجار شخص منطبق باشد.

۲. ابن‌سحنون (۲۰۳-۲۵۶ق): او می‌گوید: «تنبیه کردن شیوه‌ای برای بهبود آموزش و تربیت است. تنبیه، کيفر در برابر گناه و کار زشت تلقی نمی‌شود و متربی جزء گنهکارانی نیست که باید حتماً مجازات شود، بلکه تنبیه یک روش تربیتی است که معلم وظیفه دارد برای یادگیری بهتر دانش‌آموزان و تربیت صحیح و یا جلوگیری از آزار رساندن آنان به یکدیگر به کار گیرد، و این در صورتی است که تنبیه در این امور مفید و مؤثر افتد. در غیر این صورت، معلم مجاز نیست دانش‌آموزان را تنبیه کند. (۶۱)

۳. ابونصر فارابی (۲۶۰-۳۳۹ق): ابونصر فارابی از بزرگ‌ترین فیلسوفان مسلمان است. او در زمینه تعلیم و تربیت و روش‌های قابل استفاده در این قلمرو می‌گوید: لذات و آلام حاصل از افعال، نقش مهمی در برانگیختن افراد به سوی انجام آنها دارند. همین امر موجب می‌شود که برای بازداشتن افراد از انجام افعال قبیح در برابر لذت حاصل از آن فعل، رنجی (تنبیه) را پدید آوریم که از آن لذت افزون باشد. این مطلب، آموزش رفتارهای مناسب و بازداری از افعال قبیح را نشان می‌دهد. (۶۲)

۴. قابسی (۳۲۴-۴۰۳ق): ابوالحسن علی بن محمد قابسی یکی از روش‌های تربیتی را تنبیه و تنبه معرفی کرده و معتقد است: چنانچه کودک به رفتار نامناسب خود ادامه داد، باید با درهم کشیدن چهره، ناخشنودی خود را از رفتار کودک اعلام نمود. (۶۳)

اگر کودک خطاکار از رفتار نامناسب خود دست‌بردار نبود می‌توان بر اساس جرم و خطا و سن کودک، او را تنبیه بدنی کرد. البته باید در تنبیه‌بندی اموری را مورد توجه قرار داد:

وظایف والدین تربیت و تأدیب فرزندان است و زدن او برای رسیدن به اهداف والی، نه تنها ظلم در حق آنها نخواهد بود، بلکه احسان و موجب رستگاری آنها در دنیا و آخرت خواهد شد.

**مقام دوم: تنبیه کودک با توجه به ادله شرعی:** با توجه به آیات و روایاتی که در زمینه تأدیب کودک وجود دارد، می توان گفت: اکثر قریب به اتفاق فقها، تنبیه کودک را جایز می دانند؛ اگرچه در مقدار آن اختلاف نظر دارد. در اینجا به بررسی اقوال فقها می پردازیم:

محقق در **شرایع** می گوید: برای تأدیب کردن کودک، بیشتر از ده ضربه زدن کراهت دارد. و ظاهر کلام فقها این است که سلامت کودک متفق علیه است؛<sup>(۷۰)</sup> یعنی فرزند در حال سلامت باشد.

**علی بن محمد ابی معاذ** معروف به «صاحب ریاض» در کتاب **ریاض المسائل** می گوید: در تأدیب و تعزیر کودک در زمانی که نیاز به تأدیب و تعزیر است، زدن بیش از ده ضربه کراهت دارد. همان طور که در **شرایع**، **تحریر** و **قواعد و سرائر** گفته شده است.<sup>(۷۱)</sup>

**علامه حلی** در کتاب **قواعد** بعد از قبول اصل جواز تنبیه کودک تا ده ضربه، بیش از آن را جایز نمی داند و می گوید: **فاضل مقداد** هم در کتاب **تنقیح الرائع**، قول محقق در **شرایع** را پذیرفته که بیش از ده ضربه مکروه است.<sup>(۷۲)</sup> محقق ثانی هم بیش از ده ضربه را در تأدیب مکروه می داند. او در **مختصر النافع** می نویسد: «یکره ان یزاد فی تأدیب الصبی علی عشره اسواط».<sup>(۷۳)</sup>

**فاضل تونی** در **کشف الرموز فی شرح مختصر النافع** قول محقق ثانی را پذیرفته است.<sup>(۷۴)</sup> همچنین **سید احمد خوانساری** در **جامع المدارک فی شرح مختصر النافع** قایل به جواز تنبیه تا ده ضربه شده است. **شیخ انصاری** می گوید: ولی یا معلم، می توانند به

را برحذر دارد و اگر روش های تنبیهی آسان تر مؤثر واقع نشد می توان با تنبیه بدنی او را اصلاح کرد. البته باید تنبیه بدنی در عین دردآور بودن، اندک و بی ضرر باشد.<sup>(۶۸)</sup>

از دیدگاه صاحب نظران مسلمان، تنبیه بدنی به عنوان یک ابزار بازدارنده و کنترل کننده رفتار ناپسند می تواند کارکرد مؤثری داشته باشد.

#### ۴. نظر فقها پیرامون تنبیه

از آن رو که تنبیه از مسائل مبتلا به جوامع مسلمان بوده و مورد استفاده والدین و مربیان قرار می گرفته، فقهای اسلام برای پاسخ گویی، این موضوع را از جهات مختلف مورد بررسی قرار داده اند. یکی از این ابعاد، اصل جواز تنبیه برای تعلیم و تربیت است.

فقها در زمینه اصل تنبیه، در دو مقام بحث کرده اند:

۱. مقتضای قاعده اولیه؛

۲. مقتضای ادله شرعیه.

**مقام اول: مقتضای قاعده اولیه:** مقتضای قاعده اولیه، حرمت تنبیه کودک است؛ زیرا تنبیه دیگری ظلم است و ظلم هم حرام است. آیت الله گلپایگانی در این زمینه می گوید: «شکی نیست که ظلم حرام است، و همچنین شکی نیست که زدن کودک غیرممیز از مصادیق ظلم است و عقلاً جایز نیست، خواه تنبیه کننده پدر باشد یا دیگری؛ چون با فرض غیرممیز بودن، از عناوین قصدیه اطلاع ندارد و نمی داند به چه علت تنبیه شده است. و بر این تنبیه بجز اذیت کودک آثار دیگری مترتب نمی شود و اذیت او هم مطلقاً جایز نیست، چه از جانب پدر باشد و چه از جانب معلم».<sup>(۶۹)</sup>

اما تنبیه کودک ممیز اگر برای تشفی دل و خاموش کردن آتش غضب باشد یقیناً جایز نیست و اما اگر برای تأدیب باشد، ظاهر امر، جواز تنبیه است؛ چون یکی از



دفعات آن شود، ولی رفتار ناپسند را ریشه کن نمی‌کند. دیدگاه دوم در دفاع از تنبیه، قایل به جواز تنبیه است. این دیدگاه، قایل است: بیشتر ایرادهای ذکرشده در مورد تنبیه فقط در مورد یک نوع تنبیه صادق است، و این نوع اشکال بر تنبیه را هم می‌توان با رعایت راه کارهای ارائه‌شده در مورد اعمال تنبیه بدنی و مقدار آن از عوارض آن، برطرف کرد.

از نظر این پژوهش، دیدگاه دوم قابل پذیرش است و دیدگاه اول قابل قبول نیست.

۲. برخی از روان‌شناسان معتقدند: تنبیه می‌تواند در تغییر و اصلاح رفتار نابهنجار تأثیر پایدار داشته باشد.  
۳. عده دیگری از روان‌شناسان، اثر تنبیه را موقتی و تا زمانی که تنبیه اعمال می‌شود می‌دانند.

۴. آیات و روایات معصومان علیهم‌السلام اصل جواز تنبیه را به عنوان یکی از روش‌های تأدیبی پذیرفته‌اند، اگرچه در مقدار آن اختلاف وجود دارد.

۵. صاحب‌نظران مسلمان تنبیه را به عنوان یکی از ابزارهای تعلیم و تربیت مورد توجه قرار داده‌اند.  
۶. فقهای مسلمان، برای تأدیب کودک، تنبیه تا ده ضربه را جایز شمرده‌اند.

۷. از دیدگاه ما، تنبیه یکی از ابزارهای مؤثر در عرصه تعلیم و تربیت است که نه تنها رفتارهای ناپسند را کنترل می‌کند، بلکه می‌تواند آنها را از خزانه رفتاری فرد حذف کند. بر اساس یافته‌های این مقاله، علاوه بر تنبیه‌های کلامی، محرومیت، و اخراج، تنبیه بدنی یکی از ابزارهای اثربخش در زمینه تعلیم و تربیت است.

جهت تأدیب و تربیت به قدری که ترک بدی کنند کودک را بزنند، به شرطی که دیه واجب نشود. (۷۵)

عبدالعالمی سبزواری در جواز تنبیه کودک می‌گوید: شایسته است در تأدیب کودکان در صورتی که تأدیب به مصلحت آنان است، از جهت کمیت تأدیب و کیفیت آن با رفق و مدارا برخورد کرد؛ زیرا آنچه از ادله جواز تنبیه استفاده می‌شود تنها کسانی که شرعاً مأذون بر تنبیه هستند، باید به حداقل اکتفا کنند. (۷۶) چون در «موثقه» حماد می‌گوید: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي آدَبِ الصَّبِيِّ وَ الْمَمْلُوكِ، فَقَالَ عليه السلام خَمْسَةٌ أَوْ سِتَّةٌ وَأَرْفَقَ.» (۷۷)

این در صورتی است که با حداقل مقدار تنبیه مقصود حاصل شود، اما اگر مقصود حاصل نشود، بر حسب احتیاج، تنبیه کم و یا زیاد می‌شود. (۷۸)

از مجموعه اقوال فقها می‌توان به این نتیجه رسید که تنبیه کودک نسبت به مواردی که برای مکلفان حد و تعزیر تعیین شده است، کودک براساس نظر حاکم شرع و به تناسب سنش تعزیر می‌شود. اما نسبت به امور متعارف دیگر که مجازات و تعزیر محسوب نمی‌شود، بلکه تأدیبی دارد، پدر و معلم می‌توانند کودک را با توجه به سن او تنبیه کنند.

## نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته در این مقاله، می‌توان نتایج به دست آمده و پاسخ‌های سؤال‌های تحقیق را در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. دو دیدگاه عمده در مورد تنبیه وجود دارد: دیدگاه اول، نظر مخالفان تنبیه است. این دیدگاه، تنبیه را غیراخلاقی و غیرانسانی می‌داند و معتقد است: تنبیه توجه متربی را به رفتار ناپسند جلب می‌کند بدون آنکه جانشینی مناسب نشان دهد. همچنین تنبیه، رفتار نامطلوب را از بین نمی‌برد، هرچند ممکن است منجر به سرکوب یا کاهش

- ۳۸- بوروس فردریک اسکینر، *فراسوی آزادی و شأن*، ترجمه علی اکبر سیف، ص ۷۶.
39. Edward lee thordike.
- ۴۰- همان، ص ۷۸.
- ۴۱- دیوید فونتاننا، *کنترل کلاس*، ترجمه ساده حمزه، ص ۱۱۸.
- ۴۲- بی. آر هرگنهان و متیو اچ. السون، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری*، ترجمه علی اکبر سیف، ص ۱۲۵؛ گای آر، لفرانکوئیس، *روان‌شناسی برای آموزش*، ترجمه منیجه شهنی بیلاقی، ص ۷۴.
- ۴۳- همان، ص ۱۱۸.
- ۴۴- همان، ص ۱۲۵؛ گای. آر. لفرانکوئیس، همان، ص ۷۴؛ جان دبلیو ستراک، *روان‌شناسی تربیتی*، ترجمه مرتضی امیدیان، ص ۳۷۷.
45. Supperssion.
- ۴۶- گای آر، لفرانکوئیس، همان، ص ۷۴.
- ۴۷- بی. آر. هرگنهان، همان، ص ۱۱۸.
- ۴۸- گای. آر، لفرانسوا، *روان‌شناسی برای معلمان*، ترجمه هادی فرجامی، ص ۵۲۶.
- ۴۹- بی. آر هرگنهان و متیو اچ السون، همان، ص ۱۲۴.
- ۵۰- بقره: ۵۶؛ اعراف: ۱۶۳-۱۶۶.
- ۵۱- بقره: ۵۹، ۶۵ و ۶۶؛ مائده: ۷۸؛ اعراف: ۱۶۲، ۱۶۵ و ۱۷۱؛ طه: ۸۱.
- ۵۲- اعراف: ۱۳ و ۱۸؛ حجر: ۲۹، ۳۴، ۳۵ و ۴۴؛ اسراء: ۶۱-۶۴.
- ۵۳- سید محمدحسین طباطبائی، *المیزان*، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، ج ۹، ص ۶۳۶.
- ۵۴- همان، ج ۴، ص ۵۰۹.
- ۵۵- محمدبن حسن حرّ عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۸، ب ۶، ح ۱.
- ۵۶- همان.
- ۵۷- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۸، ص ۵۸۱، ح ۱.
- ۵۸- همان، ج ۲۱، ص ۴۷۸.
- ۵۹- همان، ج ۱۸، ص ۵۲۸.
- ۶۰- محمد فتحعلی خانی و همکاران، *آرای اندیشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، ج ۱، ص ۴۹.
- ۶۱- همان، ص ۷۹.
- ۶۲- ابونصر فارابی، *التنبیه علی سبیل السعادة*، شرح جعفر آل یاسین، ص ۲۱۸.
- ۶۳- محمد فتحعلی خانی، همان، ج ۱، ص ۱۵۷.
- ۶۴- همان، ص ۱۵۸.
- ۶۵- محمد بهشتی و همکاران، *آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم تربیت و مبانی آن*، ج ۱، ص ۱۵۸.
- ۶۶- همان، ص ۱۵۹.
- ۶۷- نصیرالدین طوسی، *اخلاق ناصری*، ص ۱۰۵.
- ۶۸- همان، ص ۲۲۶-۲۲۷.
- ۶۹- سیدمحمدرضا گلپایگانی، *الدر المنضود فی احکام الحدود*، ج ۲، ص ۲۸۲.
- پی‌نوشت‌ها** .....
- ۱- علی اکبر سیف، *تغییر رفتار و رفتاردرمانی*، ص ۴۵.
- ۲- ابن‌منظور، *لسان العرب*، ج ۱۴، ص ۲۸.
- ۳- علی اکبر دهخدا، *لغت‌نامه*، ج ۱۴، ص ۵۵۰.
4. Azrin.
5. Hiltz.
- ۶- علی اکبر سیف، *روان‌شناسی پرورشی*، ص ۴۷۳.
7. Reynolds.
- ۸- ریموند میلتن برگر، *شیوه‌های تغییر رفتار*، ترجمه علی فتوحی آشتیانی و هادی عظیمی، ص ۱۵۱.
- ۹- همان، ص ۱۵۲.
- ۱۰- بی. آر. هرگنهان و متیو اچ. السون، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری*، ترجمه علی اکبر سیف، ص ۲۵۴.
- ۱۱- هوارد اوزمن و سموئل کراور، *مبانی فلسفی تعلیم و تربیت*، ترجمه غلامرضا متقی‌فر و همکاران، ص ۱۴۱.
- ۱۲- همان، ص ۷۷-۷۹.
- ۱۳- بی. آر. هرگنهان و متیو اچ. السون، همان، ص ۲۵۴.
- ۱۴- همان، ص ۳۶۰.
15. Vicarious Punishment.
- ۱۶- همان.
17. Donald olding hebb.
- ۱۸- همان، ص ۴۲۵.
19. Lerman.
20. Iwata.
21. Shore.
22. Deleon.
- ۲۳- گای. آر. لفرانسوا، *نظریه‌های یادگیری انسان*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ص ۱۲۹.
24. Lovass.
25. Schaeffer.
26. Simmons.
- ۲۷- همان، ص ۳۴۴.
28. Whiting and mower.
- ۲۹- همان، ص ۳۴۵.
30. F. W. Parker.
31. G. Stanleyhall.
32. Friederich Froble.
33. Pestaloz.
- ۳۴- هوارد اوزمن و سموئل ام، کراور، *مبانی فلسفی تعلیم و تربیت*، ترجمه غلامرضا متقی‌فر و همکاران، ص ۲۱۵.
- ۳۵- همان، ص ۲۱۶.
36. Burrhus Frederic skinner.
37. Estes.

- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

- طباطبائی کربلایی، علی بن محمد، ریاض المسالك، بی‌جا، بی‌نا، ۱۲۶۸ق.

- طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، چ سوم، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۴.

- فارابی، ابونصر، التنبیه علی سبیل السعادة، شرح جعفر آل یاسین، تهران، حکمت، ۱۳۷۱.

- بهشتی، محمد و همکاران، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷.

- فاضل، حسن بن ابی طالب، کشف الرموز فی شرح مختصرالنافع، تحقیق علی بنایه اشتهاردی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۷.

- فتحعلی‌خانی، محمد و همکاران، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷.

- فونتانو، دیوید، کنترل کلاس، ترجمه حمزه ساده، تهران، رشد، ۱۳۸۲.

- گلپایگانی، سید محمدرضا، الدر المنضود فی احکام الحدود، قم، دارالقرآن، ۱۴۲۰ق.

- لفرانسوا، گای. آر، روان‌شناسی برای معلمان، ترجمه هادی فرجامی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰.

- لفرانسوا، گای. آر، نظریه‌های یادگیری انسان، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چ دوم، تهران، روان، ۱۳۸۵.

- لفرانکوئیس، گای. آر، روان‌شناسی برای آموزش، ترجمه منیجه شهنی بیلاقی، تهران، رشد، ۱۳۷۰.

- محقق حلّی، شرایع الاسلام، قم، دارالهدی، ۱۴۰۳ق.

- میلتن برگر، ریموند، شیوه‌های تغییر رفتار، ترجمه علی فتحی آشتیانی و هادی عظیمی آشتیانی، چ هفتم، تهران، سمت، ۱۳۸۷.

- هرگنهان، بی. آر. و متیو اچ. السون، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی اکبر سیف، چ سوم، تهران، دوران، ۱۳۷۶.

۷۰- علی بن محمد طباطبائی کربلایی، ریاض المسالك، ج ۱۴، ص ۴۵۴.

۷۱- علی بن محمد ابی معاذ، ریاض المسائل، ج ۱۶، ص ۵۹.

۷۲- جمال‌الدین مقدادبن عبدالله، تنقیح الرائع من المختصرالنافع، ص ۳۶۶.

۷۳- جعفر بن حسن حلّی، مختصرالنافع فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۲۲۲.

۷۴- ر.ک: فاضل حسن بن ابی طالب یوسفی، کشف الرموز فی شرح مختصرالنافع، ج ۲.

۷۵- مرتضی انصاری، صراط النجاة المحشی، ص ۳۲۵.

۷۶- عبدالاعلی سبزواری، مهذب الاحکام، ج ۲۸، ص ۳۷.

۷۷- همان.

۷۸- همان.

#### منابع .....

- ابن منظور، لسان العرب، چ دوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.

- اسکینر، بوروس فردریک، فراسوی آزادی و شأن، ترجمه علی اکبر سیف، تهران، رشد، ۱۳۷۰.

- انصاری، مرتضی، صراط‌النجاة محشی، تحقیق محمدحسین فلاح‌زاده، قم، کنگره جهانی بزرگداشت دوستمین سال تولد شیخ انصاری، ۱۳۸۵.

- اوزمن، هواردا و سموئل ام. کراور، مبانی فلسفی تعلیم و تربیت، ترجمه غلامرضا منتقی فر و همکاران، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹.

- جمال‌الدین مقدادبن عبدالله، تنقیح الرائع من المختصرالنافع، قم، کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

- حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.

- حلّی، جعفر بن حسن، مختصرالنافع فی فقه الامامیه، چ سوم، تهران، بعثت، ۱۴۱۰ق.

- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷.

- سبزواری، عبدالاعلی، مهذب الاحکام، چ دوم، قم، دارالتفسیر، ۱۳۸۷.

- سیف، علی اکبر، تغییر رفتار و رفتار درمانی: نظریه‌ها و روش‌ها، چ چهارم، تهران، دوران، ۱۳۷۹.

- سیف، علی اکبر، روان‌شناسی پرورشی (روان‌شناسی یادگیری و آموزش)، چ نوزدهم، تهران، آگاه، ۱۳۷۷.